

# جان لاک

---

## رساله‌ای دربارهٔ حکومت

نامقدمه‌هایی از کارپنتر و مکفرسون  
ترجمهٔ حمید عضدانلو



## فهرست مطالب

|    |                                      |
|----|--------------------------------------|
| ۹  | پیشگفتار مترجم                       |
| ۲۹ | مقدمه به قلم پروفیسور دنیو اس کارپتر |
| ۴۵ | مقدمه به قلم سی بی مکفرسون           |

### کتاب دوم درباره حکومت مدنی رساله‌ای درباره سرچشمه، وسعت، و فرجام حکومت مدنی

|     |   |
|-----|---|
| ۷۱  | فصل اول                                       |
| ۷۳  | فصل دوم درباره وضعیت طبیعی                    |
| ۸۳  | فصل سوم درباره وضعیت جنگ                      |
| ۸۹  | فصل چهارم درباره بردگی                        |
| ۹۳  | فصل پنجم درباره مالکیت                        |
| ۱۱۵ | فصل ششم درباره قدرت پدری                      |
| ۱۳۵ | فصل هفتم درباره جامعه سیاسی یا مدنی           |
| ۱۴۹ | فصل هشتم درباره آغار حوامع سیاسی              |
| ۱۷۵ | فصل نهم درباره عایت و هدف جامعه سیاسی و حکومت |
| ۱۸۱ | فصل دهم درباره اشکال یک تواره سیاسی           |

## ۶ رساله‌ای درباره حکومت

|     |  |
|-----|--|
| ۱۸۳ | فصل یازدهم درباره گسره و دامنه قدرت قانون‌گذاری                    |
| ۱۹۳ | فصل دوازدهم درباره قدرت قانون‌گذاری، محریه، و فدراتنو تنواره سیاسی |
| ۱۹۷ | فصل سیزدهم درباره تابعیت از قدرت‌های تنواره سیاسی                  |
| ۲۰۷ | فصل چهاردهم درباره اختیار ویژه                                     |
| ۲۱۵ | فصل پانزدهم بررسی هم‌زمان قدرت‌پذیری، سیاسی، و استبدادی            |
| ۲۱۹ | فصل شانزدهم درباره کشورگشایی                                       |
| ۲۳۵ | فصل هفدهم درباره عصب   |
| ۲۳۷ | فصل هیجدهم درباره حرارت  |
| ۲۴۷ | فصل نوزدهم درباره انحلال حکومت                                     |
| ۲۷۷ | نمایه  |

## مقدمه

### به قلم

### پروفسور دلیو اس کارپتر

سر فردریک پولاک گفته است «رساله دوم لاک دربارهٔ حکومت احتمالاً مهم‌ترین خدمتی است که تاکنون به قانون مشروطهٔ انگلستان توسط نویسنده‌ای شده که حرفه او وکالت بوده است»<sup>۱</sup> تأثیر این رساله در انگلستان، در سال‌های آخر قرن هجدهم، بسیار زیاد بود و بحش عمده‌ای از اصول انقلاب آمریکا منطبق بر ایده‌هایی بود که در این رساله وجود داشت اما این رساله تبدیل به یک رسالهٔ کلاسیک سیاسی شد که، به حای آن‌که خوانده شود، درست پذیرفته شد در حقیقت، ایده‌های دیگر فلسفی لاک دکترین سیاسی او را، در دههٔ حواسدگان فرهیخته، تحت الشعاع قرار داد در مقایسه با رساله‌ای دربارهٔ فهم انسانی<sup>۲</sup> و نامه‌هایی در باب تساهل<sup>۳</sup>، رسالهٔ دوم دربارهٔ حکومت کم‌تر شایسته شده است این امر تأسف ناراست لاک بر این

---

1 *Essays in the Law* (1922), p 80

2 *Essay Concerning Human Understanding*

3 *Letters on Toleration*

ایده پافشاری کرد که قدرت سیاسی وجود دارد و باید تنها در مسیر حیر و صلاح عمومی نه کار گرفته شود. بیان و اساس حکومت توافق است و قدرتی که شهریاران و فرمانروایان از آن برخوردارند، توسط حقی مطلق، پیمان و یا چیزی دیگر به آن‌ها اعطا نشده است، بلکه وابسته به اعتماد و در قبال مسئولیتی است که اگر تحقق یابد تاوان آن را می‌دهد در این مورد، لاک

مسائل کلی دولت مدرن را روشن‌تر از پیشینیان خود بیان داشته است

هدف لاک توحیه انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان بود *دورساله درباره حکومت* که در سال ۱۶۹۰ منتشر شد، نه تنها دکترین سلطنت مطلقه را که بیان آن برحق الهی استوار بود مردود می‌شمارد، بلکه نظامی سیاسی را به تصویر می‌کشد که با انداع میثاق پارلمان و قانون‌گذاری هماهنگ و منطبق است همان‌طور که خود می‌گوید، لاک درصدد «تثبیت تاح و تحت و نام احیاگر کبیر، پادشاه کبوی ما ویلیام، تحت نام توافق مردم» بود برای دستیابی به هدف خود، او طرح نوعی دموکراسی را ریخت که در آن حکومت ایده‌آل حکومتی است که با توافق و رضامندی فرمانداران بنا شده باشد

جان لاک در بیست و بهم اوت ۱۶۳۲ در دهکده‌ای به نام ریگتون<sup>۱</sup> در شمال ایالت سامرست به دنیا آمد اما خانواده او در نزدیکی دهکده پسفورد<sup>۲</sup> در منطقه کشیش‌نشین پابلو<sup>۳</sup> در شش مایلی ریستول<sup>۴</sup> زندگی می‌کردند احتمالاً در همین جا بود که لاک بخش عمده دوران آغارین زندگی خود را سپری کرد پدر او که وکل ایالتی بود، جمع‌آوری اعانه از کشتی‌ها در ایالت خود را و طبعه‌ای آن‌قدر سرعت‌انگیر تلقی می‌کرد که چون انعطاف‌پذیری و سارگاری در قبال درخواست‌های غیرقانونی چارلر اول به پایان رسید نه مخالفان پیوست و در سال ۱۶۴۲ به عنوان کاپیتان در لشکر داوطلبان ارتش پارلمانی مشغول به خدمت شد حدود سه سال بعد، لاک

حوان در مدرسه وست‌میستر<sup>۱</sup> پذیرفته شد و تا سال ۱۶۵۲ در آن‌جا ماند در همین جا بود که لاک، دست‌کم، در معرض شنیدن سروصدا و حوال اعداد چارلر اول که در سی‌ام ژانویه ۱۶۴۹ در حیاط کاح وایت‌هال<sup>۲</sup> صورت گرفت قرار داشت، گرچه خود آن را مشاهده نکرده باشد در سال‌های سلافاصله پیش و پس از این بحران عظیم، لاک به مرکز شورش انگلستان بسیار نزدیک بود و می‌نایست چیزهای زیادی در مورد حوادث هیجان‌انگیز سیاسی آن زمان شنیده و درباره آن‌ها فکر کرده باشد

در اولین سال‌های حضور جان لاک در آکسفورد<sup>۳</sup>، حایی که او تحصیلات خود را پس از ۱۶۵۲، به عنوان دانشجوی دوره کارشناسی دنبال می‌کرد، نشان ناز و برحسته‌ای از دلستگی‌های روشنفکری دیده نمی‌شود او لدت چندانی از درس کلاس‌ها نمی‌برد و هیچ علاقه‌ای به حر و بحث و سحوری نداشت لاک معتقد بود که «سحوری نه برای کشف حقیقت بلکه برای مشاخره و نگومگو و خودمایی اختراع شده است» او اعل از نتیحه خواندن همه چیزهای بی‌فایده‌ای که محور بود سحواند مایوس و دلسرده می‌شد به گفته دوستش حاسم ماشام<sup>۴</sup> که از خود لاک نقل قول کرده است «این یأس و دلسردهی سد راه سحت‌کوشی او در درس بود و او را وامی داشت به دنبال معاشری‌ی خوش‌گذران و ندله گو باشد، کسانی که از نامه‌نگاری با آن‌ها لدت فراوانی می‌برد» اما او از کلاس‌های پوکاک<sup>۵</sup> محقق عربی، و کلاس‌های والیس<sup>۶</sup> استاد ریاضی که کرسی استادی ساویلیان<sup>۷</sup> را بین سال‌های ۱۶۴۹ و ۱۷۰۳ در اختیار داشت، لدت زیادی می‌برد در طول همین سال‌ها بود که درگیر اندیشه‌های دکارت شد، اندیشه‌هایی که در آغار او را محدود متافیریک کرد در سال ۱۶۵۹، لاک دانشجوی کارشناسی ارشد

1 Westminster

2 Whitehall

۳ در کرایسب چرچ (Christ Church) یکی از معروف‌ترین کالج‌های آکسفورد — م

4 Lady Masham

5 Pockocke

6 Wallis

7 Savilian

1 Writington

2 Pensford

3 Publow

4 Bristol